

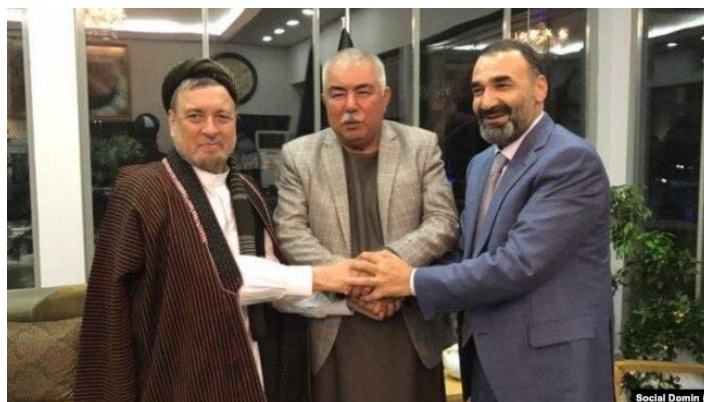
## جلسه «نشست» رو سیاهان در انقره، لکه سیاهی بر روی وحدت ملی ملت افغانستان

این قلم هربار در میدیای انترنتی افغانی کلمه اختراعی و تقلیدی «نشست» را مشاهده مینمایم، با درک موقف دنباله روان رژیم آخوندی و مستخدمین بی ظرفیت آنان، بسیار دلگیر و متعجب میگردم که به ارتباط به سرایت خیالی قلم بدستان و اهل مطبوعات افغانی، چگونه همچنان این کلمه جدید ورود فرهنگستان سخیف ایرانی را بجای «جلسه، جلسات، مجلس، گرد همایی، محفل، جرگه، کانفرانس» که قرن ها در محیط افغانستان عزیز معمول بوده، هموطنان ما بیجهت استعمال می نمایند. کلمه «نشست» که در کشور ما هم به مفهوم دیگری مستعمل بود، تا چند سال قبل هرگز به ترویج غیر ضروری امروز شنیده و خوانده نشده بود، یا تعمیری نشست کرده بود... یا از آفتاب نشست میگفتیم و البته به گفته حضرت حافظ و وصف یاری که در محفل آمده بود: (شمع دل دمسازم بنشست چو او برخاست\*\*\* و افغان ز نظر بازان برخاست چو او بنشست)!

حال در پهلوی جلسات گوناگون اخیر به ارتباط حالات افغانستان در خارج و داخل کشور، میرویم به سراغ «مجلس روسیاهان تاریخ در انقره».

در شرایطی که هجوم پناه گزینان و مهاجرین در کشور های امن روز افزون میباشد و پذیرش آنان مشکلتر شده میرود، عجب بهشت موعودی در ترکیه برای گروه های چپاولگر جهادی، فامیل های شان و فرصت طلبانی که در جوار آنان، همچنان دو دهه اخیر به تاراج پول های باد آورده کمک های باز سازی و انکشاف اجتماعی دست باز داشتند، فراهم گردیده است.

اقامت قانونی و بی دغدغه در ترکیه با خرید خانه و ملکیت و انتقال دارایی به بانک های آنکشور کاملاً سهل است و صد البته که گروه دزدان و چپاولگران تاریخ نیمقرن افغانستان در پهلوی تلاش برای اقامت رسمی در غرب، آسترالیا و دیگر کشور های مترقی، از لحاظ شرایط محیطی و نزدیکی کلتوری، ترکیه را هم جایگاه بهتری برای استراحت گاه امنی در نظر داشته و قبلاً امکانات زیست و سرمایه گذاری وافر را از پول بیت المال افغانستان فراهم نموده اند.



سه چهره کلیدی از جنایتکاران و خائنین ملی در انقره که دهه هاست ملت افغانستان را به مظالم و چپاول دارایی های شان مبتلا نموده اند.

بهر حال، با سلطه وسیع طالبان و میدان خالی فراریانی که جایگاه هر سه قوه دولت افغانستان را خود و دنباله روان شان، در حیطة تصرف داشتند و حتی برای فرزندان مقام و شرایط کار و تجارت اکثراً نامشروع تدارک دیده بودند، با پشتوانه های بزرگ و سرمایه هایی که از یتیم و بیوه کشور به یغما برده اند، ترکیه میتواند برای نسل های شان سرزمین رویا های طلایی گردد.

در جلسه ۲۷ ثور مطابق به ۱۷ می در انقره، از زیر دار گریختگان غارت گر که نزدیک به نیم قرن با دشمنی با همدیگر و جنگ های تحمیلی، در پهلوی تخریب مادر وطن، صد ها هزار را کشته و ملیون ها را آواره ساختند، با نقاب و تزویر گویا برای نجات؟! افغانستان عزیز برای بار سوم؟! با تزویر و ریا دست اتحاد و اتفاق را فشرده و بر علیه قدرتمندان طالب در کشور و نجات وطن؟! و عده های سرخرمن پیشکش همدیگر نمودند!! یا الله، پروردگارا، منبعد خطر این سرمایه های سخیف آزمایش شده را از سر ملت مظلوم و بیدفاع افغانستان دور داشته باش!!

این گروه خاکباد که پسر مسعود قهرمان قتل عام افشار، که خود یکپا در استخبارات و اواک آخندی و پای دیگر در MI۶ انگلستان دارد و البته چون پدر- وی هم، سرسپرده جاسوسان فرانسوی و چپگرایان آن میباشد، همبستگی تشکیل پوشالی مقاومت ملی؟! را درین جلسه فریبکاران و رو سیاهان پیشکش نموده است. خدایا صبر اعطا فرما!!

این گروه که در حدود چهار ونیم دهه آنچه جنایات و چپاولگری که در امکان بوده بر ملت نهایت بیدفاع و مظلوم افغانستان وارد نمودند، در اخیر گویا طی اعلامیه همبستگی و موادی را برای نجات؟! افغانستان از حالت موجوده انتشار دادند.

متأسفانه تعدادی از هموطنان ما بزودی رویداد های قبلی را فراموش نموده و خواهان تغییر جریانات موجوده اند ولو بهر قیمتی باشد، در حالیکه از باران به زیر ناوه رفتن هم مجاز نیست. بلی کشور ما را گروه بیخرد و افراط گرایان طالبی به تاریکی عمیقی کشیده است و مخصوصاً که هر روز اوضاع اجتماعی زنان و آزادی های مشروع آن نیمی از اجتماع ذایل گردیده است. ولی این دلیل نمیشود که دوباره به دامان جنایتکاران، بیکفایتان، چپاولگران و آزمودگان سخیف در وطن ما پناه ببریم. نخیر، این ها نباید دیگر جایی در سرزمین مقدس افغان ها داشته باشند. همین که در پهلوی مظالم غیر بشری وسیع و با غارت دارایی های عامه، عجالتاً فراری و منزوی بوده به عدالت و بازخواست نرسیده اند جای تأثر و افسوس است.

در جلسه این گروه مکار و غارتگر آمران تنظیم های جهادی و دنباله روان مفسد آنان از قبیل: دوستم گلگم جم، محمد اسمعیل، در پایان این اعلامیه اسمای یک تعداد کسانی درج شده، از اینقرار: استاد عبدرب الرسول سیاف، عطا محمد نور، عبدالرشید دوستم، حاجی محمد محقق، محمد اسماعیل خان، محمد یونس قانونی، عبدالهادی ارغندیوال، احمد مسعود، امرالله صالح، حضرت علی، میر رحمان رحمانی، احمد ولی مسعود، دین محمد جرأت، الماس زاهد، لطیف پدram، صلاح الدین ربانی، احمدضیا مسعود، محمد علم ایزدیار، زینب مزاری، معصومه خاوری، شکریه بارکزی، راحله دوستم و عده دیگر.

در این گروه هم آیی «شورای عالی مقاومت ملی برای نجات افغانستان» با ترکیب شورای عالی و شورای رهبری، تشکیل شد که در ترکیب آن افراد ذکر شده بالا بشمول احمد مسعود عضویت دارند. حال به قسمت هایی از میدیای افغانی و انتخاب سطوری از آثار هموطنان ما در عکس العمل به جریان مجلس شرم آور آنقره می اندازیم:

### ۱- اظهارات محترم ملک ستیز محقق و شخصیت مسایل سیاسی:

گروهی از سیاسیون در ترکیه یک جا شده اند تا روی آینده کشور بحث و اتخاذ موضع کنند. تقاضا می کنم در این نشست به این مسایل با ژرف نگری پردازند:

در بیست سال پسین شما که پشتوانه ی ۴۶ کشور ثروتمند دنیا را با خود داشتید، نتوانستید جایگزین طلبان را برای غنی و ارگ فراهم کنید. حالا چه ابزاری محکم تر از آن در اختیار دارید که آینده بهتر و عده می دهید؟

در بیست سال پسین کرزی، غنی و عبدالله از یک سو و استخبارات منطقه و جهان از سوی دیگر شما را در بازی شطرنج سیاست به سان سربازان خود استفاده کرد. تحلیل تان از این بازی چیست؟ آیا شما مات هستید تا پیروز بدرآمده اید؟ مردم به این باور هستند که شما شهادت حریف بودن را نداشتید و فراری هستید. پاسخ این پرسش هویت سیاسی شما را مشخص می کند .

شما از بی ثبات ترین سیاست مداران افغانستان در بیست سال پسین بودید و در پست های معاونیت رییس جمهور، وزرای بی صلاحیت اما پول ساز، مشاوریت های نمادین ولی پُر درآمد، سفارت های تشریفاتی و وکالت در اطاق های پارلمان روز را در ارگ و شب را در سپیدار صف بسته بودید. حالا چه شد و چه تغییر کرد که وعده ساختن میهن را می دهید. مگر با این فرهنگ می شود کشور را از بحران برون کشید؟



### سه خیانتکار و دشمنان قدیم، در حال پلان گذاری برای قدرتمندی و سوء استفاده از منافع ملی

عده ای شما بیمار، عده ای سال خورده و عده ای بسیار تنبل شده اید. این در حالی است که گروه های حقانی، دیوبندی و پشاوروی تازه مزه قدرت را چشیده اند. شما چه تجربه بهتری را برای مردم پیش کش می کنید، در حالی که گروه عظیم مردم، فقر، جهالت طالبانیزم، استکبار و استبداد را نسبت به حکومت دزد، مافیایی، مفسد، فریبکار و دروغ گوی شما که به نام حقوق بشر، دموکراسی و تکنوکراسی بر مردم تحمیل می کردید، ترجیح می دهند .

بیا بید حد اقل یک بار در زندگی سیاسی تان راست بگویید. آیا شما به هم دیگر تعهد دارید؟ آیا شما به نقد باور دارید؟ آیا شما به تخصص باور دارید؟ آیا شما به هم دیگر پذیری اعتقاد دارید؟ آیا شما به ارزش های اتحاد، هدف، برنامه و تشکل باور دارید؟ البته این پرسش ها را صادقانه با در نظر داشت پیشینه سیاسی تان از خود بپرسید. مردم پاسخ این پرسش ها را می دانند.

به نظرم این که باهم می نشینید و صحبت می کنید، کار خوبی است. اما اگر از این پرسش ها می گذرید، برنامه های شما معنایی ندارد. من قصد تخریب ندارم. این را به عنوان یک پرسش گر

و تحلیل گر که اوضاع افغانستان را از نزدیک دنبال می کند مطرح می کنم. واقعیت این است که اگر شما تحلیل واقع بینانه از این پرسش ها ارایه ندهید، وقت خود و دیگران را ضایع خواهید کرد. آن گاه بهتر است تا با خانواده های خود زندگی آرام و بدون دغدغه سیاسی را در همین کشورهای آرام سپری کنید.

## ۲- قسمتی از تبصره آقای سید عبدالله کاظم در مورد مفسدان تاریخ، جلسه انقره:

شما ساحران و شعبده بازان بازار سیاست هریک به نوبه خود در طول دوده گذشته موجبات ضعف جمهوری اسلامی افغانستان را فراهم کرده اید. سقوط رژیم گذشته در واقع نتیجه خرابکاری های هریک شما بوده است که فقط برای قدرت و منافع شخصی، گروهی و قومی خود فعالیت کردید و کوچکترین قدم را در راه منافع ملی نگذاشتید. تاریخ شاهد کارهای شما در این مدت و حتی قبل از آن میباشد. اکنون شما به کدام زبان و به کدام روی می خواهید ملت از شما حمایت کند. نه طالبان و نه شما مورد اعتماد مردم مظلوم کشور هستید. ملت افغانستان بدبخت خواهد شد که از شما حمایت کند. بگذارید نسل جوان راه صادقانه خود را در پیش گیرد و خدای بزرگ گناهان شما را که در حق ملت در این مدت انجام داده اید، وقتی خواهد بخشید که شما نسل جوان را حمایت کنید، نه اینکه بار دیگر خود را به شانه های خمیده این ملت مظلوم سوار کنید. اگر ملت امروز توانائی بازپرس از خیانت های پی هم شما را ندارد، ولی منتقم حقیقی خدای متعال است که از شما داد مردم را بستاند، چنانکه همین حالاسرگردان دیار بیگانه هستید و روی برگشت به وطن و مردم را ندارید و در دادگاه الهی به یقین که با عقوبت عظیم دچار خواهید شد.

## ۳ - لینک مضمون محترم حمید انوری دانشمند و نویسنده افغان:

مضمون آموزنده محترم حمید انوری در وبسایت ملی «استقلال خپلواکی» در مورد گرد هم آیی گروه خابنین و جنایتکاران فراری تاریخ معاصر افغانستان تحت عنوان: " مطلب گل ز دکانی که تفنگ میفروشد." را با کلیک بر لینک آتی مطالعه بفرمایید.

<http://www.esteqlaal.net/images/h-anwari-matalab-gul-ze.pdf> - ۳

## ۴- هشدار جنگ برای سازش- نویسنده: یونس نگاه:

آقای یونس نگاه که برای اینجانب شناسا نمی باشند، تحلیل نسبتاً مفصل در زمینه جلسه انقره در وبسایت «افغان جرمن» تحریر نموده اند که اینفلم صرف قسمت های جندی از محتویات مطلب را آنرا تقدیم میدارم:

.....روزی که طالبان به کابل داخل شدند، تعداد زیادی از این رهبران طالب دوست، آخرین شانس خود را برای نجات سرمایه و نفوذ خانواده گی در نظام طالبان، با رفتن به اسلام آباد آزمودند و انتظار داشتند که پاداش همکاریهای شان را در شکست دشمن مشترک (غنی و تیمش) دریافت کنند. تعریفی که طالبان، حکومت پاکستان و رهبران تنظیمی از پاداش دارند، متفاوت است. اسلام آباد ظاهراً طرفدار حضور نمادین رهبران تنظیمی و وابستگان شان در نظام طالبانی است، طالبان پاداش را مصونیت جانی و مالی میدانند نه سهم سیاسی، ولی آنانی که اکنون در پای اعلامیه انقره امضا کرده اند، با توجه به تأخیر رسمیت بین المللی "امارت" و تشدید عکس العمل های نظامی و سیاسی در برابر آن گروه، اکنون دو خواست حداکثری و حداقلی را مطرح میکنند.

۱- اگر مقاومت و ایستادگی در برابر طالبان شدت گیرد و احتمال شکست طالبان افزایش یابد، به کمتر از مشارکت در نظام سیاسی تن نخواهیم داد.

۲- اگر مقاومت با پشتیبانی جهانی و منطقوی مواجه نشود و نظام طالبان پا گیرد، مصونیت جانی و مالی را همراه با چوکی های نمادین در امارت بدست آوریم .

بیش از نه ماه گذشته، اینان با سکوت، بیانی، پست فیسبوکی و مقاله موضع سازش کارانه خود در برابر طالبان را تکرار کرده اند. مجلس انقره نیز بیش از آنکه تدارک برای مقاومت علیه طالبان باشد، اصلاح موضع امضاکننده گان در روشنایی شرایط تازه است، تا از تحولات احتمالی که به زیان حاکمیت طالبان رخ خواهد داد، عقب نمانند و تمام تخمهای خود را در سبد طالبان نگذارند. امضاکننده گان اعلامیه انقره در میدان تجارت سیاسی گرگهای باران دیده اند و بوی خون و پول را زودتر از دیگران حس میکنند. آنان به وطن ما همچون بازار دیده و در آن با جان جوانان فریب خورده و احساسات توده های میلیونی آلوده به تعصبات قومی، مذهبی و زبانی تجارت کرده قدرت سیاسی و منافع اقتصادی کمایی میکنند.

محتوای اعلامیه انقره نشان میدهد که امضاکنندهان مقاومت را ابزار چانه زنی میدانند نه حق مردم افغانستان کسب آزادی. اعلامیه با دستور جنگ آغاز شده است یعنی "به آنانی که ستم روا داشته شده، اجازه جنگ داده شده و خداوند قادر است به آنان یاری رساند".

توسل به خداوند اما شعار فریبنده ای است. "شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان" در اعلامیه غیر از خود چهار بازیگر دیگر را در بازی افغانستان به رسمیت میشناسد که در میان آن چهار بازیگر، خدا و مردم دیده نمیشوند. بازیگر نخست طالبان است که بعد از اعلام موجودیت این شورا در ماده اول اعلامیه، امضاکننده گان فوراً به سراغ آن گروه رفته و خواستار همکاری در حل

معضل افغانستان شده اند: "از طالبان میخواهیم که بیش از این موجب ویرانی و تباهی در کشور نشوند و برای حل معضله های کنونی بر سر میز مذاکره حاضر شوند".

بازیگر دوم کشورهای همسایه است. امضاکننده گان در ماده سوم اعلامیه از کشورهای همسایه خواسته اند که از حاکمیت انحصاری و غاصبانه طالبان حمایت نکنند؛ زیرا "موجب بحران و بی ثباتی گسترده میشود و این به سود کشورهای همسایه نیز نیست".

بازیگر سوم قدرتهای جهانی است که امضاکننده گان خطاب به آنان از عدم پای بندی طالبان به "ارزشهای اسلامی، انسانی، موازین بین المللی و معیارهای حقوق بشر" سخن گفته و بدینگونه خود را حامی این ارزشها نشان داده اند، هرچند دوسیه های بسیار سنگین مستند در آرشیف سازمانهای حقوق بشری، یادداشتهای تاریخی و حافظه مردم افغانستان نسبت به کارنامه بیشتر اعضای رهبری این شورا وجود دارد. ارزشهای انسانی و اسلامی، معیارهای حقوق بشر و موازین بین المللی مثل آیات قرآن همچون وردهای سیاسی و تزییینی از سوی اینان استفاده میشود.

بازیگر چهارم نیرو یا نیروهایی است که در بخشهایی از کشور علیه طالبان مقاومت مسلحانه انجام میدهند. امضاکننده گان اعلامیه، این مقاومت مسلحانه را مشروع دانسته و بر شورای خود نیز نام مقاومت گذاشته اند. البته در گذشته بارها آنان تلاش ورزیدند که خود را از کسانی که علیه طالبان دست به سلاح برده اند دور نگه دارند. در روزهای اول پس از سقوط، زمانی که در پنجشیر علیه طالبان جنگ جریان داشت، این رهبران در اسلام آباد انتظار هدایت طالبان را داشتند تا به کابل برگشته در نظام طالبانی شریک شوند. پس از آن نیز بارها جنگهای پنجشیر و اندراب را ماجراجویی خواندند و خواهان ادامه مذاکرات شدند. اکنون که طالبان ثابت کرده اند جز خود به هیچ نیرویی در نظام جای نخواهند داد، و درعین حال دامنه های مقاومت علیه طالبان گسترش یافته، اینان نیز مقاومت را ماجراجویی نه، بلکه دفاع مشروع میخوانند. اما چراغ سبزشان به سمت طالبان روشن است و آن گروه را به مذاکره و در واقع تن دادن به حکومت سهامی دعوت میکنند.

غیبت مردم و رنجهای شان در اعلامیه بسیار سنگین است. از قربانیان انفجارهای تروریستی ماههای اخیر در مکاتب و مسجدها یاد نشده است، از گرسنگی مردم سخنی نرفته است، از کوچهای اجباری و کشتار هدفمند ذکری نشده و از فشارهای چند قاته علیه زنان و مقاومت شجاعانه آنان در برابر طالبان در اعلامیه خبری نیست

اعلامیه لحن سرد تاجرانه دارد. از ساختار تشکیلاتی یاد شده است و کمیته های دهگانه ای که قرار است در شورا فعالیت کنند. به نظر میرسد بعد از اعلامیه آنان بیشتر مشغول "پروپوزل" نویسی و

ترسیم چارتهای تشکیلاتی، تقسیم پستها و تعیین معاشات باشند تا تدارک مبارزه برای کاستن رنج میلیونها وطندار گرفتار در چنگال گروه تاریک اندیشی که اینان هنوز به چشم برادر می بینند و دعوت به مذاکره و همکاری میکنند.

از کسانی که جایگاه سیاسی و مالی خود را مدیون پروژه هایی بدانند که تولید گروه طالبان یکی از محصولات آن بود، انتظار مبارزه برای آزادی کشور، تلاش برای ساختن دولت دموکراتیک، کمپاین برای تامین حقوق بشر و از خودگذری برای منافع عمومی نمیتوان داشت. اینان در خلق وضعیت دردناک امروز مثل طالبان مقصرند. فروپاشی نظام چنان که در اعلامیه انقره آمده است، "نتیجه غر و خیانت هیات حاکمه... و پروسه دوحه" بود. اما نه هیات حاکمه تنها غنی و تیش بود و نه پروسه دوحه بدون حضور و همکاری اینان به جایی میکشید که امروز قرار داریم. امضاکننده گان اعلامیه انقره عناصر مهم هیات حاکمه بودند. خودشان در کمیته ها، مشاوریت ها و مجالس تصمیم گیری بر صدر می نشستند. فرزندان و نزدیکانشان وزیر، قوماندان، جنرال، دیپلمات، تاجر و سرمایه گذار بودند. انحصارگرایی، خودمحوری، خانواده پرستی، سمتگرایی و مال اندوزی اینان در بیست سال گذشته جیره خور نظام بودند.

درست است که هر گام کوچک در برابر طالبان ارزش دارد و لازم است تمام نیروهای باورمند به نظام غیرطالبانی متحد شوند؛ اما اتحاد واقعی بدون صداقت و به روش کاسب کارانه ممکن نیست. آنانی که در فروپاشی نظام نقش داشتند و نقش راه پاک کن های آن گروه تاریک اندیش را بازی کردند، قبل از هر کار باید حساب گذشته خود را پاک کنند و حداقل در اعلامیه و موضع گیریهای خود از خیانتها و جنایاتی که منجر به خلق وضعیت کنونی شده است، صادقانه صحبت کنند و نقش خود را انکار ننمایند.

افغانستان با اتحاد سهامی زورمندان به صلح و پیشرفت نایل نخواهد شد. مبارزه با طالب، عرصه پیکار مردان و زنانی است که نگران حسابهای بانکی پر از دالر، خانه های مجلل و شهرک های زورآباد خود نباشند، از برهم خوردن نظام قوماندان سالاری و وندبازی نهراسند، و دوسیه های قطور قانون شکنی و رفتار ضد بشری در کارنامه نداشته باشند. (پایان مقاله)

\*\*\*\*\*

خلاصه که در بین مشترکین جلسه خابین و انقره چند تا خانم به شمول شکریه بارکزی که در بیست سال به چهره های گوناگون نقل مجلس سیاست و فعالیت های شخصی بوده است، هم نمایان گردیدند.



در دو دهه گذشته کمک زنانی که در رأس کار های مهم ، منجمله وکالت در ولسی جرگه و وزارت خانه ها بودند، بسیار کم رنگ و تأسف آور بود. نمیشود که کار نامه مثبتی از همین خانم بارکزی را بیاد آورد....حق تلفی ها در مورد حیات رقت بار زن افغان، خشونت و حال زار زنان محبوس همه در عصر گذشته به اوج خود رسیده بود که زنان مفسن عالیرتبه هیچ دردی از آنان را التیام نه بخشیدند. هیئات!

آنچه را از اجتماع فراریان در انقره می آموزیم اینست که به وضاحت مشاهده میگردد تعدادی از اولیای امور سابقه و قدرتمندان فعال در هرسه قوای دولتی به شمول تنظیم های جهادی و مربوطین آنان، نه تنها بعد از شکست فاحش و فرار شرم آور، دست از فعالیت نکشیده و انزوا اختیار ننموده اند و چنانچه آقای « یونس نگاه» مفصلاً بیان داشته اند، حرص قدرت طلبی و استفاده های وسیع از دارایی های عامه را که این گروه از همان آغاز جنگ های افغانستان پیشه خود ها نمودند، در غربت و جلای وطن همچنان بر حال و جزئی از تلاش پیگیر آینده شان محسوب میگردد!

زنده باد افغانستان، پاینده باد وحدت ملی و تمامیت ارضی وطن ما!

پایان

Dawatmedia۲۴.com